4

E 272

M. Mss. 472

Dr. CARO
19 ISFAHAN 35
MINASIAN

Cap Art Box 65 Mss
472

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی اوضح لنا مناهج الهدی بمفاتیح الکلم ومصابیح
الظلم سید الوری محمد الذی بشرفه الانبیاء جمیع الامم و
اهل بیته الاطهرین الذین هم معادن الکرم وسادة العرب
والعجم وبقاؤهم قوة به نظام العالم صلوات الله وسلامه علیه
وعلیهم ما نهار اضاء ولیل اظلم اما بعد این مجلدیست از کتاب
حیوة القلوب تألیف خادم اخبار ائمه اطهار محمد باقر بن محمد تقی حشرهما الله
مع موالیهما الاخیار در بیان وجوب امام علیه السلام ومنصوب بودن او
از جانب ملک علام وعصمت او از گناهان صغیره وکبیره و اتصاف او بصف

حمایة بغیر از نبوت و آیاتی که در شأن ائمه علیهم السلام مجملا نازل شده و آن
مشتمل است بر دو مقصد باب اول در بیان وجود امام علیه السلام در هر
عصر و آنکه هیچ عصر خالی از امام نمیباشد و در وجوب طاعت او و آنکه
هدایت نمیباشد مردم مگر با او و آنکه میباید از گناه معصوم و از جانب خدا
منصوص باشد و بیان بعضی از نصوص مجیب بر ایشان و برخی از فضایل
ایشان و در آن چند فصل است فصل اول در وجوب امامت و آنکه هیچ
زمانی خالی از امام نمیباشد بدانکه خلافست میان علمای امت در آنکه
نصب امام آیا واجبست بعد از انقراض زمان نبوت یا نه و بر تقدیر وجوب
آیا بر خدا واجبست یا بر امت و بر هر تقدیر آیا وجوبش از دلایل سمعیه
و وجوبش معلوم شده است پس جمله علمای امامیه را اعتقاد آنست که نصب
امام بر حقتعالی واجبست عقلا و سمعا و بعضی از معتزله و اهل سنت و جمیع خوارج را
اعتقاد آنست که نصب امام مطلقا بر خدا و خلق واجب نیست و اشاعره و جمعی
از اهل سنت و بعضی از معتزله قایلند که نصب امام بر مردم واجبست بدلیل سمعی نه
عقلی و جمعی از معتزله را اعتقاد آنست که واجبست بر مردم نصب امام بدلیل عقلی

نه باخوف و بعضی گفته اند برعکس و امام در لغت عرب بمعنی مقتدا و پیشوا است و
در اصطلاح فرقهٔ ناجیه در باب صلوه که امام میگویند غالبا بمعنی پیشنماز است
و در علم کلام که امام میگویند مراد شخصیست که از جانب خدا بخلافت و نیابت
حضرت رسالت پناه معین شده باشد و گاهی هست که به پیغمبر نیز امام
اطلاق مینمایند و از بعضی اخبار معتبره که ان شاء الله بعد از این مذکور خواهد شد
معلوم میشود که مرتبهٔ امامت بالاتر از مرتبهٔ پیغمبریست چنانچه حقتعالی بعد از نبوت
بحضرت ابراهیم ع خطاب فرمود که انی جاعلک للناس اماما و بعضی
از محققان گفته اند امام شخصیست حاکم باشد بر خلق از جانب خدا بواسطهٔ آدمی در
امور دین و دنیای آنها مثل پیغمبر الا آنکه پیغمبر از جانب خدا بی واسطهٔ آدمی نقل میکند
و امام بواسطهٔ آدمی که آن پیغمبر است مؤلف گوید این تعریف نیز مشکل است
زیرا که بسیاری از پیغمبران غیر اولو العزم تابع انبیای اولو العزم بوده اند و شریعت ایشان
بخلق میرسانیدند و احادیث بسیار خواهد آمد که ائمه صلوات الله علیهم از
ملائکه و روح القدس استفادهٔ علوم از خداوند میکردند و ملهم میشدند و فرقی چند در
احادیث میان نبی و امام مذکور است که ان شاء الله بیان خواهد شد و حق این است